



# به نام خدا

عنوان بحث: لوکیشن عقل

شب چهارم محرم 1444

**عاشورا حسنی است تا حسینی:**

درباره قیام عاشورا و چگونگی رخ دادن این واقعه سخن های زیادی زده شده و کتاب های مفصلی نوشته اما این وسط سخن مرحوم سید شرف الدین قابل تأمل است: عاشورا پیش از اینکه حسینی باشد حسنی است یعنی زمینه اصلاح را صلاح فراهم می کند چون هر اصلاح مبتنی بر یک صلاح است و برای رسیدن به یک صلاح برتری هست همانطور که در جلسه گذشته بیان شد سه گونه صلاح موجود است صلاح ضروری، حاجی و تحسینی و عنوان قصد که امام حسن مجتبی (ع) کردیم و گفتیم که امام گفتند: اگر قرار باشد یکی از اهل قبله بجنگ آن نفر معاویه هست. اما برای حفظ جان

شیعیان صلح کردند. اگر امام اصرار بر جهاد و اصلاح داشتن دو صورت پیش می آمد: ۱\_ اینکه یاران حضرت ایشان را شهید می کردند و معاویه هم برای امام مراسم می گرفت و می گفت یاران امام ایشان را شهید کردن. ۲\_ معاویه امام را اسیر می کرد و برای پاک کردن ننگ ابوسفیان که آزاد شده دست پیامبر بود امام را آزاد می کرد و باطن و هدف معاویه برای مردم رو نمی شد اما امام مانند امیرالمؤمنین (ع) یک عقب نشینی هوشمندانه در زمان تحمیل حکمیت توسط خوارج انجام دادند در حالی که خوارج از امام خویش عقب افتادند.

### قصد یکسان امیرالمؤمنین (ع) با امام حسن مجتبی (ع) :

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۵۴ نهج البلاغه می فرمایند که: فَتَدَاكُؤَا عَلَيَّ تَدَاكَ الْإِبِلِ الْهَيْمِ يَوْمَ وِرْدِهَا وَ قَدْ أَرْسَلَهَا رَاعِيهَا وَ خُلِعَتْ مَثَانِيهَا حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُمْ قَاتِلِيَّ أَوْ بَعْضُهُمْ قَاتِلُ بَعْضٍ لَدَيَّ. وَ قَدْ قَلَّبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنَهُ وَ ظَهَرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ، فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعُنِي إِلَّا قِتَالُهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله). فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْعِقَابِ وَ مَوْتَاتُ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوْتَاتِ الْآخِرَةِ. مردم برای

بیعت با من به شدت به هم می خوردند مانند به هم خوردن  
شتران تشنه در روز ورود به آب که ساربان آنها را رها کرده و  
عقال از پایشان برداشته باشد، تا جایی که گمان بردم مرا  
خواهند کشت یا در حضورم بعضی بعض دیگر را نابود خواهند  
کرد.

زیر و روی حکومت را اندیشه کردم به صورتی که خواب را از  
چشمانم گرفت، راه چاره ای جز جنگ با دشمنان یا انکار آنچه  
که محمد صلی الله علیه و آله آورده نیافتم، پس تحمل جنگ  
برایم آسانتر از تحمل کیفر الهی، و مشقت های این دنیا برایم  
سهل تر از مشقت های آخرت بود.

امام حسن مجتبی (ع) همین قصد را داشتن اگر علیه معاویه  
جهاد نمی کردند انکار آنچه به حضرت رسول (ص) نازل شده  
بود می کردند اما وقتی مصلحت ضروری بر خطر افتاد آتش  
بس کردند.

**روایات پیامبر درباره امام حسن (ع) :**

درباره امام حسن از پیامبر (ص) حدیث های موجود است  
مانند «لو كان العقل رجلاً لكان الحسن، اگر عقل در قالب

انسانی جلوه‌گر شود، امام حسن(ع) آن انسان خواهد بود»  
یا «... وَ لَوْ كَانَ الْفَضْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنَ ع...»؛ اگر فضل و  
بخشش به صورت انسانی در بیاید، امام حسن(ع) مصداق  
کامل آن است.

### صلاح امام حسن زمینه ساز اصلاح امت:

آتش بس یا توافق عدم تعارض بین امام حسن (ع) و معاویه  
یک کار کاملاً عقلانی بوده و زمینه ساز قیام امام حسین(ع) و  
قیام های بعد از آن مثل قیام مردم مدینه یا قیام زید بن علی  
(ع) و... شد و کلیدی برای اصلاح امت شد.

### حاکمیت حسنی و نهضت حسینی:

همانطور که قبلاً اشاره شد امام حسن (ع) یک حاکمیت بود  
که یک نظم اجتماعی رو رقم زده بود و معاویه علیه این نظم  
دست به اقدام زد اما امام حسین یک نهضت بود که بر علیه  
حکومت اموی دست به اقدام زد و این مهم ترین تفاوت این  
دو امام بزرگوار هست.

## خضر آل رسول الله:

طبق گفته امام حسن مجتبی (ع) در پاسخ به کسانی که مخالف آتش بس بودن فرمودند: خضر(ع) را یادتان نیست که چه کرد؟ کشتی را سوراخ کرد، جدار را بست، غلام را کشت، آن طفل را کشت. ما مثلما آن گونه است که حتی موسی بن عمران(ع) هم بر او خرده گرفت که تو چه کردی؟! همانطور که خضر کشتی (ع) کشتی را سوراخ کرد تا کشتی و ساکنانش از چنگ حاکم ظالم نجات پیدا کنند و هم موسی ببیند تا فرعون را غرق کند، امام حسن (ع) هم کشتی امت را سوراخ کرد تا امام حسین (ع) هم بنی امیه را عرق کند.

## نهضت امام حسین:

برای نهضت یک نفر کافی هست بعد از نهضت ۷۲ نفر شدند و بعد ۱۸ هزار نامه از کوفه با امضای بزرگان کوفه به امام حسین (ع) رسید این نشان دهنده این هست که امام حسین (ع) گل کاشته و صلاح امام در بهترین حالت خود جواب داده و باعث قیام مردم بعد از امام علیه حکومت بنی امیه شد.

## تنها گناه امام حسین در نظر مردم کوفه:

کوفه یک شهرک نظامی نشین بود که در آن نه کشاوری می شد و نه صنعتگری مردم وابستگی اقتصادی شدید به دولت و فرماندار کوفه داشتند، بعد ورود ابن مرجانه به کوفه اولین کاری که کرد صدا کردن عریف های هر قبیله بود که بیت المال را بین قبیله ها تقسیم می کردند بعد صدا کردن عریف ها گفت هر از قبیله شما پشت مسلم باشد بیت المال کل قبیله را قطع خواهم کرد و سر اون شخص هم بر سر در محله اون قبیله خواهم زد، طی پنج ساعت جماعت از نماز ظهر تا نماز مغرب از پشت مسلم خالی شدن.

طبق شواهد تاریخی تنها گناه امام حسین نزد مردم کوفه عدم ولایت پذیری امیرالمؤمنین یزید بن معاویه بود به همین خاطر برای قربت الی الله سی هزار نفر عازم کربلا شدند و طبق گفته مقام معظم رهبری اگر شریح قاضی که قاضی القضاات کوفه بود شهادت دروغ نمی داد کربلا رخ نمی داد.

شریح قاضی بعد از شهادت دروغ فتوای خارجی بودن امام رو هم صادر کرد چون علیه یزید بن معاویه اقدام به قیام کرده بود.

## دسته سوم واقعه کربلا:

بعد خالی شدن پشت مسلم و فتوای شریح قاضی ابن مرجانه دستور اعزام لشکر کوفه به کربلا را داد قبل از اعزام به کربلا به پادگان النخيله فرستاده می شدند. نوشته اند که نیروها در نخيله نزدیک به شصت هزار نفر می رسیدند اما در کربلا سی هزار نفر حاضر بودن.

در کربلا سه دسته وجود داشتن دسته اول دسته اولیاء و دسته دوم دسته اشقیاء و دسته سوم هم دسته گریه کنان بود که تقریباً سی هزار نفر بر روی تپه ها برای اباعبدالله (ع) دعا و گریه می کردند.

## نظر مردم درباره نهضت امام حسین (ع) :

نهضت امام حسین (ع) مبارزه اسلام ناب محمدی با اسلام اموی بود همانطور که امام خمینی (ره) فرمودند که دعوی ما با آمریکا بر سر اسلام آمریکای هست اما بیشتر مردم این تفاوت را درک نکردند و امام را گناه کار می دانستند که با امیر المؤمنین یزید بن معاویه بیعت نکرده برای نمونه:

۱\_ هنگامی که مسلم بن عقیل را خواستن پیش ابن زیاد ببرند

ظرف آبی دید و طلب آب کرد سربازی که پیش مسلم بود گفت جرعه ای از آن را نخواهی نوشی تا اینکه از آب حمیم جهنم بنوشی، مسلم پرسید که تو کی هستی گفت من کسی هستم که نسبت به امام خویش خیر خواهم من کسی هستم که فرمان امام ام را شنیده و از آن اطاعت کرده ام اما تو عصیان کردی!!

۲\_ روایت امام سجاد از قاتلان اباعبدالله (ع) کَمَا يَوْمَ كَيْوَمِ الْحُسَيْنِ (ع) اَزْدَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ اَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ اَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ كُلُّ يَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِيهِ وَ هُوَ بِاللّٰهِ يُذَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ حَتَّى قَتَلُوهُ بَغْيًا وَ ظُلْمًا عِدْوَانًا هِيَ رُوزِي مَانْد رُوز [شهادت] حسين نيست كه سي هزار نفر عليه او جمع شدند و همه گمان مي كردند از اين امت هستند و همه مي خواستند با ريختن خون او به خدا نزديك شوند در حالي كه حسين آنها را نصيحت مي كرد، اما تاثيري نداشت تا اينكه او را از روي سرکشی و ظلم و دشمني كشتند.

۳\_ عمر سعد خطاب به سپاهيانش سخن پيامبر (ص) را گفت كه قبل از هر جنگ مي فرمود: «ابشرو بالجنه يا جندالله» با قتل امام حسين (ع) بهشت را وعده داد.

۴\_ فردی از لشکر عمر سعد به حضرت گفت یا حسین تو را به آتش جهنم بشارت باد!!

۵\_ مسلم بن عقبه فرمانده لشکر شام در واقعه حره بود که لشکرش به حکم یزید سه روز شهر مدینه را غارت و به نوامیس مسلمین تعرض کرد در وصیتنامه اش می نویسد خدا من کاری بهتر از غارت مدینه ندارم پس برای من در بهشت جایگاهی قرار بده.

۶\_ آتش زدن مکه به دستور یزید که مخالفت با حکم خدا بود و خدا گفته بود مکه بلد امن هست اما سپاهیان یزید حکم امیرشان را بالا تر از حکم خدا می دونستن.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَدْرَ قَدَمِ هَيْبَةِ إِمَامِ حَسَنِ (ع) وَ إِمَامِ حُسَيْنِ (ع) رَا بَدَانِيْمَ فِي زِيَارَتِ اِرْبَعِيْنَ دَارِدَ كِه لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ قِيَامَ كَرَدْنِدَ تَا اَنْ كَسَانِي كِه اَز سِرْ جِهَالَتِ يَا كَمْرَاهِي بَه يَزِيْدِ پُوسْتَه بُوْدَن رَا هِدَايْتِ كَنْنِدَ وَ دَر اَيْنِ رَاهِ خُونِ قَلْبَشُونِ رُو هَم دَاْدَنِدَ.

